

«مطالعات جامعه‌شناسی»

سال دهم، شماره سی و هشتم، بهار ۱۳۹۷

ص ص ۱۱۸-۱۰۱

بررسی کارکرد «شرایط اجتماعی» در شیوه تفسیر مفسران شیعه و

اهل سنت از آیه مودت از دیدگاه جامعه‌شناسی دینی

حسن عباسی^۱

سید محمدباقر حجتی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۹/۲۳

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۶/۱۲/۶

چکیده

یکی از دانش‌های موردنیاز مفسر در فهم صحیح آیات قرآن، دانش شناخت شرایط اجتماعی مخاطبان سخن و موقعیت‌های نزول هست. شرایط اجتماعی می‌تواند دارای کارکردهای دوگانه عصر نزول و عصر مفسر باشد. توجه مفسر به کارکرد اولی (شرایط اجتماعی عصر نزول) در فرآیند تفسیر آیه مودت از ضروریات به شمار می‌رود. ولی کارکرد دوم (شرایط اجتماعی عصر مفسر) مفسر را در ورطه تفسیر به رأی قرار می‌دهد. لذا نگارنده با بررسی کارکرد شرایط اجتماعی در اهم تفاسیر شیعه و اهل سنت به این نتیجه رسیده که در آن تفاسیر کارکرد اول کمترین نقش را ایفا نموده است؛ ولی کارکرد دوم با غلبه شرایط اجتماعی و سیاسی جریان خلفا در اعصار مختلف با زمینه‌سازی بسترهای کلامی مناسب ازسوی متکلمان و اقدامات عملی خلفا و سیاست‌مداران آن جریان، موجب عدم موفقیت اکثر مفسران در رعایت اصل بی‌طرفی شده و آنان را از توجه به اولین کارکرد عنصر شرایط اجتماعی یعنی شرایط اجتماعی عصر نزول و تبیین سبب نزول صحیح آیه مودت که مدنی‌النزول هست، بازداشته است.

واژگان کلیدی: کارکرد عنصر، شرایط اجتماعی، تفسیر، مفسران شیعه و اهل سنت، آیه مودت، جامعه‌شناسی دینی.

۱. دانش‌آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی،

E-mail: religanaz82@gmail.com

تهران- ایران.

۲. گروه علوم قرآن و حدیث، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران- ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: m.hojjati@iaua.ac.ir

مقدمه

یکی از آیاتی که در طول اعصار در میان مفسران فریقین محل اختلاف بوده، مفاد و مصادیق آیه ۲۳ سوره شوری: «ذَلِكَ الَّذِي يَبْسُرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ»، (این همان [پاداشی] است که خدا بندگان خود را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [بدان] مژده داده است. بگو: «به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره خویشاوندان.» و هر کس نیکی به جای آورد [و طاعتی اندوزد]، برای او در ثواب آن خواهیم افزود. قطعاً خدا آمرزنده و قدرشناس است). آیه فوق مشهور به آیه مودت و آل‌حامیم هست. در این آیه بعد از حرف استثنای (الا)، عبارت (الموده فی‌القربى) ذکر شده که به اذعان بسیاری از مفسران فریقین با محتوای کلی آیات مربوط به اجر رسالت در قرآن منافات دارد و این تضاد و تنافی ظاهری، موجب بروز اختلافاتی در میان مفسران فریقین در مورد مفهوم و مصداق آیه مودت گشته است، هر چند که اکثر قریب به اتفاق مفسران فریقین، مفاد و مصادیق آن را بر اهل بیت پیامبر اکرم (ص) تفسیر و تأویل نموده‌اند. با این وجود؛ برخی از مفسران اهل سنت، معانی و مصادیق دیگری را برای آیه مودت ذکر کرده‌اند. از جمله؛ تعمیم مصادیق آن بر صحابه پیامبر (ص)، قریش، تقرب به خدا، توصیه به مودت افراد خویشاوند نسبت به یکدیگر و نسخ آیه مودت با آیات مربوط به نهی درخواست اجر از سوی انبیاء از سوی تفاسیر فریقین هست. به نظر می‌رسد که مفسران اهل سنت در تفسیر آیه مودت، عوامل برون متنی (شرایط اجتماعی و مواضع کلامی و مذهبی رایج زمان خود) را لحاظ نموده‌اند. از این رو، این مقاله درصدد است با استفاده از قاعده سیاق که یکی از قواعد مهم تفسیر هست، به این مسئله پاسخ دهد که چه عوامل و زمینه‌هایی بستر ساز بروز اختلافات در تبیین مفهوم و مصداق آیه مودت در میان مفسران فریقین گشته است؟ آیا می‌توان با دخالت کارکرد مثبت شرایط اجتماعی عصر نزول، راهکارهایی را جهت کشف سبب نزول صحیح آیه مودت پیدا نمود؟ با این مقدمه اهمیت و ارزش کاربردی مقاله حاضر در این است که: اولاً) می‌خواهد اثبات کند که یکی از علل اصلی اختلافات مذهبی فریقین، عدم رعایت اصل بی‌طرفی و دفاع از جریان و مکتب خلفا و در نتیجه پیشداوری‌های کلامی مفسران از صدر اسلام تاکنون هست. ثانیاً) درصدد است با تبیین سیاق محور آیه مودت، به این نتیجه برسد که آیه مودت، مدنی‌النزول بوده و مربوط به مسئله خلافت و جانشینی بوده که در اواخر حیات حضرت محمد (ص) نازل شده است. لذا توجه به سیاق کلمات و آیات و سیاق قرآنی حاکم بر آیه مودت می‌تواند گام مهمی را در جهت ابهام‌زدایی از مسئله جانشینی پیامبر (ص) و جایگاه حقیقی اهل بیت (ع) به عنوان وارثان حقیقی دین اسلام و نائبان اصلی پیامبر اسلام (ص) بردارد.

هدف

- شناخت کارکرد عنصر شرایط اجتماعی عصر نزول و جامعه مخاطب آیه مودت.

فرضیه‌ها

۱. در فرآیند تفسیر آیه مودت، شرایط اجتماعی دارای کارکردهای مثبت و منفی می‌باشد که توجه مفسر به شرایط اجتماعی عصر نزول آیه مودت در فهم مدلول صحیح آن آیه، کارکرد مثبت داشته ولی توجه مفسر به شرایط اجتماعی عصر خود، او را از فهم صحیح آیه مودت باز می‌دارد.
۲. توجه مفسران به پیش‌فرض‌های کلامی مکتب خلفاء آنان را از تفسیر دقیق آیه مودت دور نگه داشته است و این مسئله موجب ابراز پنج رأی مختلف از سوی مفسران شده است.

روش تحقیق

روش تحقیق، روش توصیفی-تحلیلی مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری از کتب مرتبط با موضوع هست که در آن ابتدا آرای مفسران را فیش‌برداری نموده و با تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، اقدام به استنتاج می‌نماید.

تعریف متغیرها

شرایط اجتماعی

شرایط اجتماعی به مجموعه شرایط سیاسی و اجتماعی و هرگونه آداب و رسوم و سبک زندگی حاکم در جامعه عصر نزول که در اصطلاح مفسران به فرهنگ زمان نزول معروف است، گفته می‌شود. توجه به فرهنگ زمان نزول در تفسیر آیات قرآن امری روشن و مطابق با سیره عقلا است (رجبی و دیگران، ۱۳۷۹: ۱۵۷)، و نیز شامل شرایط اجتماعی عصر مفسر می‌شود، همان شرایطی که پیوسته در حال دگرگونی بوده و این دگرگونی گاهی موجب تغییر معانی برخی از واژگان نسبت به معانی زمان نزول شده (همان: ۹۸)، و گاهی در اثر تقسیم‌بندی جامعه اسلامی به فرقه‌ها و مذاهب و نحله‌های مختلف (مکتب خلفاء، مکتب ولایت) هر کدام پیرو یک مکتب خاصی شده و تاریخ گواه است که دخالت تعصبات کلامی و غلبه شرایط اجتماعی توسط مفسران هر یک از مکاتب فوق (خلفاء، ولایت)، موجب کاهش آزادی و قدرت انتخاب منصفانه و روش‌مند و افتادن در دام تفسیر به رای در تفسیر قرآن به خصوص در مسائل اعتقادی گردیده است (رستمی، ۱۳۸۸: ۱۸۵).

تفسیر

معنای لغوی تفسیر به قول لسان‌العرب «بیان» و «ابانه» یعنی روشنگری و روشنی است که این کلمه از ماده‌ی «فَسَّرَ» به معنی برداشتن پوشش و یافتن مقصود از کلام پیچیده است و در اصطلاح عبارت

است از توضیح و رفع اجمال و ابهام و گشودن گره‌ها و پیچ‌های لفظی و معنای قرآن کریم. علامه طباطبایی می‌فرماید: تفسیر، روشن کردن مفاهیم آیات قرآن و پرده برداشتن از مراد و مقصود آن‌هاست (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴/۱).

مفسران شیعه و اهل سنت

منظور از مفسران شیعه و اهل سنت، مفسران دو فرقه شیعه و اهل سنت می‌باشند، مفسرانی که از پیروان دو جریان و مکتب خلفا و ولایت محسوب می‌شوند که در طول تاریخ در تفسیر آیه مودت قلم رانده‌اند.

آیه مودت

آیه مودت، آیه بیست و سوم سوره شوری هست که به آیه آل‌حم معروف است و از آیات کلامی و اعتقادی قرآن محسوب می‌شود. مفسران فریقین تاکنون به طور کلی پنج رأی مختلف در ذیل آن ارائه داده و برای اثبات نظرات خود استدلال ارائه داده‌اند. این آراء عبارت‌اند از: مودت به اهل بیت و عترت پیامبر (ص)، مودت قریش به پیامبر (ص) به جهت خویشاوندی با آن حضرت، تقرب به خداوند با طاعت و عمل صالح، نسخ آیه مودت با آیات مربوط به نفی درخواست اجر از سوی انبیاء، مودت در حق اهل بیت پیامبر (ص) و صحابه آن حضرت.

بررسی کارکردهای دوگانه عنصر شرایط اجتماعی در تفسیر آیه مودت

از دانش‌هایی که مفسر قرآن در فرآیند تفسیر بدان‌ها نیازمند است می‌توان به دانش شناخت زبان و فنون قرآن، شناخت خداوند به عنوان گوینده سخن، شناخت مخاطبان سخن، شناخت موقعیت‌های نزول اشاره نمود. در این مقاله کارکردهای مثبت و منفی دو دانش اخیر در تفسیر قرآن به ویژه آیه مودت پرداخته می‌شود؛ زیرا بر اساس دانش شناخت مخاطبان سخن، هر آیه‌ای را باید از دو جهت مورد بررسی قرار داد: یکی از جهت شکل و قالب آیه و دیگری محتوا و مضمون آن. مسلمانان بر این عقیده هستند که محتوا و مضمون آیات الهی در قرآن جهانشمول هستند؛ اما نمی‌توان انکار کرد که قالب پیام در بسیاری از مواضع متأثر از فضا و محیط حاکم بر مخاطبان اولیه قرآن است؛ بنابراین شناخت فرهنگ حاکم بر مخاطبان و محیط اجتماعی محل نزول آیات قرآن، از ضروریات فهم درست محتوای پیام قرآن کریم است (برای مطالعه بیشتر ر. ک: قرآن و فرهنگ زمانه از محمدعلی ایازی و قرآن و به‌گزینی فرهنگ‌ها، رقیه صادقی نیری)، قرینه بودن فرهنگ زمان نزول و لزوم توجه به آن در تفسیر، امری روشن و مطابق با سیره عقلا است (رجبی و دیگران، ۱۳۷۹: ۱۵۷). از سوی دیگر، شناخت موقعیت‌های زمانی و مکانی و اجتماعی نزول نیز در فهم محدوده مدلول الفاظ و مراد خداوند نقش به‌سزایی دارد (شاکر، ۱۳۸۲: ۲۱۱).

از این رو در روایتی منقول از اصبح بن نباته امام علی (ع) در اعلام آگاهی خود از تأویل قرآن به اطلاع از موقعیت‌های نزول استشهاد کردند و فرمودند، از هر آیه‌ای که برسید می‌گوییم: چه زمانی و درباره چه کسی نازل شده است و نیز ناسخ و منسوخ، عام و خاص، محکم و متشابه و مکی و مدنی آن را به شما خواهیم گفت (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴/ ۱۴۲). در روایت دیگری از آن حضرت نقل شده که سوگند به خدا آیه‌ای در قرآن نیست مگر آن که می‌دانم در روز نازل شده است یا شب، در کوه نازل شده است یا دشت (سیوطی، ۱۴۰۷: ۴/ ۲۳۴). ولی با وجود اهمیت توجه به شرایط اجتماعی و فضای نزول در تفسیر صحیح، مفسر نباید این مؤلفه مهم را با ضرورت اجتناب مفسر از دخالت آرا و اندیشه‌های خود و خواست‌های فردی و گروهی زمان خود که در حوزه تفسیر به رأی هست، خلط نموده و تحلیل‌هایی که برگرفته از عقاید و باورهای غلط محیط و شرایط اجتماعی زمان خودش هست در تفسیر آیات قرآن وارد کند (رجبی و دیگران، ۱۳۷۹: ۳۸۱).

بنابراین عنصر شرایط اجتماعی در تفسیر آیات قرآن به ویژه آیه مودت دارای دو کارکرد مثبت و منفی است که تبحر مفسر بر استمداد از کارکرد مثبت شرایط اجتماعی و اجتناب از کارکرد منفی آن در نیل او به تفسیر صحیح آیات قرآن کمک شایانی می‌کند. بسیاری از تفاسیر جریان و مکتب خلفا در تفسیر آیه مودت تحت تأثیر شرایط اجتماعی و فرهنگ زمانه خود شده و با لحاظ پیش‌فرض‌های کلامی جریان خلفا به عنوان جریان اجتماعی غالب زمان خود، به تفسیر آیه مودت پرداخته و عمداً یا سهواً از توجه بی‌طرفانه به شرایط اجتماعی زمان نزول آیه مودت و سیاق حاکم در آن آیه غافل مانده‌اند. این سهل‌انگاری و غفلت تفاسیر جریان خلفا، موجب ابراز حداقل پنج نظریه مختلف در ذیل آیه مودت گردیده است.

الف) کارکرد مثبت شرایط اجتماعی زمان نزول در فرآیند تبیین سبب نزول آیه مودت

سوره شوری به نام‌های: «حم عسق»، «عسق»، «حم سق»، «شوری» (الوسی، ۱۴۱۵: ۲۵- ۱۶/ ۲۶؛ قنوجی بخاری، ۱۴۲۰: ۱۸۱ / ۶؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۱۳ / ۷۶۱)، یاد می‌شود که نام اول به مناسبت اولین آیات این سوره و آخرین آن‌ها به مناسبت سی و هشتمین آیه: «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (شوری، ۳۸)، نامیده‌اند. این سوره مشتمل بر ۵۳ آیه و آیه مودت بیست و سومین آیه آن است. هم‌چنین این سوره ۸۶۶ واژه و از ۳۵۸۰ حرف پدید آمده است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۳ / ۵۵)، گفته می‌شود این آیه درباره انصار فرود آمد. در میان مفسران فریقین، درباره محل نزول این سوره به ویژه آیه مودت دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. به باور گروهی از قرآن پژوهان و مفسران از جمله حسن، همه آیات این سوره جز سه آیه ۳۸، ۳۹، ۴۰ آن در مکه فرود آمده است؛ اما از دیدگاه عده‌ای دیگر از جمله ابن‌عباس، چهار آیه این سوره در مدینه و دیگر آیات آن در مکه نازل گشته‌اند و آن آیات چهارگانه مورد اشاره عبارت‌اند از: سه آیه ۳۸، ۳۹، ۴۰ و دیگر آیه ۲۳ (همان: ۵۳).

گروهی دیگر از قرآن پژوهان آیات مدنی را تا به هفت آیه رسانده و گفته‌اند که سوره شوری مکی است به جز آیات ۲۳-۲۴-۲۵-۲۶-۳۹-۴۰-۴۱ (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸/۶). اما در مورد آیه مودت تمام دانشمندان مکتب اهل بیت بالاتفاق قائل به مدنی بودن آن هستند و تعداد زیادی از مفسران اهل سنت هم گفته‌اند: آیه مودت و بعد از آن، سه آیه دیگر در مدینه فرود آمده است و تعداد کثیری از مفسران بزرگ اهل سنت در تفسیر خود این عقیده را ابراز نموده‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۶-۲۵/۱۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۴/۲۰۸؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۵/۲۵؛ حوی، ۱۹۹۲: ۹/۵۰۶۲؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۷-۸/۱۰۸؛ ابی حیان، ۱۴۱۲: ۷/۴۸۶؛ ثعالبی مالکی، ۱۴۱۸: ۳/۱۲۱؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳: ۳/۷۶۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱/۸؛ ماوردی بصری، بی‌تا: ۵/۱۹۱)، و تصریح کرده‌اند که آیه مودت در مدینه نازل شده است.

تبیین دقیق سبب نزول آیه مودت صرفاً با اغماض از تأثیرات شرایط اجتماعی غالب و پیشداوری‌های متعصبانه فرقه‌ای مفسران امکان‌پذیر است؛ زیرا کشف سبب نزول آیه مودت و این‌که مخاطبان آیه مودت کدام گروه از مؤمنان و مشرکان یا جامعه از دو جامعه مکه و مدینه در وهله اول و جامعه جهانی در وهله دوم می‌باشند، در تفسیر صحیح آیه مودت تأثیرگذار است و اگر مفسر قبل از ورود به تفسیر آیه مودت، نتواند محل نزول دقیق آیه مودت و جامعه مخاطب (مکه یا مدینه) آن آیه را اثبات کند، در فهم تفسیر صحیح آیه مودت دچار اشتباه خواهد شد. عدم توجه برخی مفسران فریقین به خصوص مفسران اهل سنت به این مسئله، موجب ابراز پنج رأی مختلف و متضاد در ذیل آیه مودت گردیده است؛ زیرا هدف بسیاری از مفسران اهل سنت در اصرار بر مکی‌النزول بودن تمام آیات سوره شوری، این است که وانمود کنند آیه مودت در مکه نازل شده و ربطی به اهل بیت ندارد، از همین رو در کتاب‌های خود آورده‌اند که چون همه آیات سوره شوری مکی است، بعید است آیه در شأن پنج تن آل‌عبا نازل شده باشد؛ چون در آن زمان، حضرت علی (ع) و حضرت زهرا (س) با هم ازدواج نکرده بودند، پس چه طور ممکن است که آیه مودت در شأن آن‌ها و دو فرزندشان که در آن زمان به دنیا نیامده بودند، نازل شده باشد.

ب) کارکرد منفی شرایط اجتماعی زمان مفسر در انحراف مفسران جریان خلفا از تفسیر صحیح آیه

مودت

همان‌طور که پیشتر گفته شد، مفسران اهل سنت به جهت تأثیرپذیری از شرایط اجتماعی و سیاسی زمان خود همواره سعی داشتند سبب نزولی را برای آیه مودت تبیین نمایند که اهل بیت را از دایره شمول آیه مودت خارج نمایند؛ چرا که رواج حداکثری عقاید فقهی اهل سنت در جهان اسلام و حاکمیت طولانی سیاستمداران آنان بر قلمرو جهان اسلام و به انزوا فرو بردن شیعیان و خفقان علیه آنان، موجب ابراز چنین رأیی در مورد سبب نزول آیه مودت گردیده است؛ هر چند که تعداد زیادی از مفسران بزرگ اهل سنت در تفسیرشان اعتراف کرده‌اند که محل نزول این آیه و آیات دیگر، مدینه است و تمام مفسران مکتب اهل بیت به دلیل روایات متعدد از ائمه هدی بالاتفاق قائل‌اند که آیه مودت در شان اهل بیت نازل شده

است که مقام والای آن‌ها را بیان کرده و وجوب محبت و مودت آن‌ها را بر همه مسلمین واجب کرده است.

بسترهای زمینه ساز نفوذ عقاید کلامی جریان خلفا در تفسیر آیه مودت به عنوان مکتب غالب در جوامع

اسلامی

به نظر می‌رسد زمینه‌ها و بسترهای مختلفی در کنار حاکمیت شرایط اجتماعی جریان و مکتب خلفا بر مفسران آن جریان را کمک نمود تا عقاید کلامی خود را در تفسیر آیه مودت دخالت داده و دفاع به ظاهر علمی و موجه از آراء خود داشته باشند، این بسترها و زمینه‌ها عبارت‌اند از: ۱. مکی دانستن کل سوره شوری و سبب نزول مکی قائل شدن بر آیه مودت. ۲. تفسیر مودت به محبت ظاهری و شعاری نه عملی که تبعیت از آن‌ها به عنوان امامان معصوم واجب باشد. ۳. معنای مجازی سببیت قائل شدن بر حرف «فی» در آیه مودت. ۴. منقطع دانستن حرف استثناء «الا» به جهت عدم طلب اجر از سوی سایر انبیا و پیامبر (ص). ۵. عدم توجه به پیوند عمیق دین اسلام با آیین حنیف حضرت ابراهیم (ع) و در نتیجه اغماض از توجه به سیاق و فضای حاکم بر داستان حضرت ابراهیم (ع) و دعاهای آن حضرت بر امامت امامانی از ذریه آن حضرت در امت آخرالزمان. گاهی اوقات دو بستر و زمینه اخیر در تفاسیر مکتب و جریان ولایت (شیعه) نیز تأثیرگذار بوده و موجب شده که برخی مفسران شیعه استثناء در آیه مودت را منقطع دانسته و هیچ ارتباطی را میان آیه مودت به ویژه «القربی» با دعاهای حضرت ابراهیم (ع) برای امامت امامانی از ذریه خود به خصوص حضرت علی (ع) در آخرالزمان قائل نیستند، بلکه بیشتر از طریق روایات به تفسیر آیه مودت اقدام نموده‌اند.

اقدامات جریان خلفا با استفاده از عنصر شرایط اجتماعی در اعمال پیش‌فرض‌های کلامی خود در تفسیر

آیه مودت

مکتب و جریان خلفا با اقداماتی که در انزوای اهل بیت با از بین بردن منابع و روایات پیامبر (ص) در شان و فضائل اهل بیت معصومین (ع) با اجرای سیاست‌های عدم تدوین حدیث، عدم توجه به اصحاب مورد اعتماد، ترویج جعل حدیث جهت فضیلت‌تراشی برای خلفا، اجازه نشر قصه‌ها و داستان‌های خرافی اسرائیلیات و در نهایت با تطمیع اصحاب و محدثان مزدور و دنیاطلب، موجب حذف و تغییر و تحریف احادیث نبوی و علوی به عنوان منابع دست اول در حوزه تفسیر قرآن و فقه و احکام شده و باب تفرقه و فرقه‌گرایی را باز نمودند (رستمی، ۱۳۸۸: ۳۹۱). یکی از آیاتی که در مورد فضیلت و جایگاه والای امامت و ولایت اهل بیت (ع) نازل شده و از دسیسه فوق‌الذکر بی‌نصیب نمانده است، آیه مودت است. جریان و مکتب خلفا برای این آیه پنج معنا و تفسیر ارائه داده‌اند که هر یک از آن معانی، ناشی از دوری آن‌ها از جریان و مکتب ولایت است.

الف) بررسی نمونه‌هایی از تفاسیر اهل سنت که در فضای غالب شرایط اجتماعی جریان خلفا تدوین گردیده و به‌ناچار عقاید کلامی اهل سنت مورد ملاحظه قرار گرفته است:

از میان تفاسیر اهل سنت در قرن چهارم که تحت تأثیر جریان اجتماعی مکتب خلفا (به خصوص در حوزه فقهی متأثر از مذهب حنبلیان) در آیات مختص به اهل بیت به ویژه آیه مودت، دو پهلو و ابهام‌گونه سخن رانده است، تفسیر جامع‌البیان محمد بن جریر طبری می‌باشد که به روش تفسیر روایی - اجتهادی (ادبی) آیه مودت را تفسیر کرده و نظر مودت قریش به پیامبر (ص) به جهت خویشاوندی با آن حضرت را استنباط نموده است. در بررسی میزان تأثیر پیش‌فرض‌های کلامی و شرایط اجتماعی در تفسیر طبری باید گفت که تفسیر طبری صرفاً تفسیری روایی نیست؛ زیرا طبری به مسائل و مباحث کلامی نیز توجه داشته و نظریات خود را در قالب گردآوری و نقل احادیثی دال بر موضع کلامی خود بیان کرده است. وی کمتر به نقد مستقیم نظریات گروه‌های مخالف پرداخته است. ولی در مورد نقش و جایگاه اهل بیت (ع) در این تفسیر، ابهامات و شبهاتی وجود دارد که به نظر می‌رسد فشارها و حملات فرقه حنابله مسبب این ابهامات هستند؛ چرا که در برخی کتب وی و حتی در خود تفسیر طبری از فضائل اهل بیت پیامبر (ص) خالی نیست (از باب نمونه ذیل سوره آل عمران، آیه ۶۱ سوره مائده، آیه ۵۵ سوره ضحی، آیه ۵ و سوره احزاب، آیه ۳۳)، ولی در موارد متعدد، به شأن نزول آیات مرتبط با اهل بیت، به رغم تصریح به آن‌ها در منابع دیگر، اشاره‌ای نشده است. مهم‌تر از همه، عدم تصریح یا اشاره به ماجرای غدیر خم، ذیل آیه ۶۷ سوره مائده است، در حالی که وی در کتابی جداگانه روایات فراوانی در این باب گرد آورده است. در ذیل آیه ۳ سوره مائده نیز نزول آن را در آخرین حج پیامبر، در روز عرفه دانسته و حتی قول به نزول آن در هجدهم ذیحجه را نیاورده است (طبری ۱۴۱۲: ۱/۶). این در حالی است که وی دو روایت دال بر وفات پیامبر، هشتاد و یک روز بعد از نزول این آیه، نقل کرده که با توجه به تاریخ وفات پیامبر در ۲ یا ۱۲ ربیع‌الاول به روایت اهل سنت و ۲۸ صفر به روایت شیعه ناسازگار است. طبری روایات اندکی نیز به نقل از اهل بیت آورده است. از جمله، خبری است به نقل از امام باقر علیه‌السلام در شأن نزول آیه برائت، (توبه، ۹) که طبق آن به پیامبر وحی می‌شود که آیه را باید خود او یا یک تن از تبار او ابلاغ کند و از این رو علی علیه‌السلام مأمور ابلاغ آیه می‌شود (همان، ۴۷/۱۰).

در مورد مذهب طبری، ابو عبدالله محمد بن احمد ذهبی (متوفای ۷۴۸) او را با عنوان یکی از پیشوایان بزرگ اسلام و فردی مورد اعتماد یاد می‌کند و درباره او می‌گوید: ثقة صادق، فیه تشیع و موالات لاتضر (ذهبی، ۱۹۶۳: ۳/۴۹۹)، او را به وثاقت و صداقت لهجه وصف می‌کند و اضافه می‌کند: در وجود او تشیع و موالات (ارادتمندی نسبت به خاندان نبوت) یافت می‌شود که به مقام شامخ وی زیان نمی‌رساند. وی تفسیر خود را با ذکر درود بر پیامبر و آل او آغاز می‌کند (طبری، ۱۴۱۲: ۱/۳). یاقوت حموی او را تکذیب می‌کند و معتقد است ابو جعفر طبری، رافضی (شیعه تندرو) نیست. وی می‌گوید: «پیروان مذهب حنبلی بر او حسادت ورزیده و او را به تشیع متهم ساخته‌اند و خوارزمی آن را معتنم شمرده و به آن افتخار کرده

است» (حموی، ۱۳۸۱: ۱/۵۷). وی درباره حدیث غدیر، تألیفی در دو مجلد دارد که روایات و طرق و اسناد حدیث غدیر را در آن گردآورده است. تألیفی دیگر نیز درباره حدیث طبر مشوی (فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۲/۱۸۹)، که یکی از بزرگ‌ترین فضایل امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) محسوب می‌شود، دارد و در آن، تمامی طرق و اسناد این حدیث را جمع‌آوری کرده است (ابن‌کنیر، ۱۴۱۱: ۱۱/۱۴۷). یاقوت حموی می‌گوید، طبری کتاب احادیث غدیر خم را در پی تکذیب یکی از مشایخ بغداد که ابن‌عساکر نام او را ابوبکر بن ابی‌داود سجستانی یاد می‌کند (طبری، ۱۳۸۷: ۱۹)، نوشت که می‌گفت: این حدیث دروغ است؛ زیرا علی (علیه‌السلام) در آن هنگام در یمن به سر می‌برده است. ابوجعفر طبری پس از شنیدن این گفتار به نوشتن کتاب یاد شده همت گماشت. او در این کتاب، ابتدا فضایل امیر مؤمنان را یاد می‌کند؛ سپس به گردآوری طرق و اسناد حدیث غدیر پرداخته است. یاقوت می‌گوید موقعی که این کتاب را نوشت، گروه زیادی از شیعیان بغداد گرد او آمدند تا نوشته او را استماع کنند. وی برای متهم نشدن به رافضی بودن، صفحاتی در فضائل شیخین بر آن افزود. سپس با درخواست عباسیان رساله‌ای در فضائل عباس نگاشت که از این کار خسته شد و دیگر به این گونه درخواست‌ها پاسخ نداد (یاقوت حموی، ۱۳۸۱: ۵/۲۶۹).

یاقوت می‌گوید: چون وی متهم به تشیع بود، از بیم گستاخی عامه، او را در شب به خاک سپردند (همان، ۲۴۲). این وصف، به جهت فشار حنبلیان بر طبری و ترس از آسیب‌های آنان، گاه می‌بینیم طبری در تفسیرش گزارشی دارد که پیوند او با اهل‌بیت را زیر سؤال می‌برد. شاید تحت تأثیر شرایط و فضای محیط اجتماعی آن روز قرار گرفته باشد؛ به ویژه به این دلیل که تفسیر وی در آن هنگام مورد توجه عموم بود و بهترین تفسیری بود که در آن عهد عرضه شد و مورد استقبال همگان قرار گرفت (معرفت، ۱۳۸۰: ۲/۱۷۲). وی ذیل آیه: «و أنذر عشیرتک الأقرین» (شعرا، ۲۱۴)، حدیث مفصلی از مولا امیر مؤمنان (علیه‌السلام) از طریق محمد بن اسحاق، تاریخ نگار بزرگ صدر اسلام، نقل می‌کند؛ بدین مضمون که پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم دستور داد تا غذایی فراهم شود و تمامی خویشاوندان خود را دعوت کرد. در آن جمع همه فرزندان و نوادگان هاشم و عبدالمطلب حضور یافتند. آن گاه به آنان فرمود: بهترین تحفه را برای شما آورده‌ام؛ آن که به خدا شرک نورزید و تنها او را بپرستید و هر که از شما در اجابت دعوت پیشی گیرد و مرا در این امر یاری کند، وصی و جانشین و وزیر من خواهد بود. این سخن را تکرار کرد ولی هیچ‌یک جوابی ندادند و هر بار علی (علیه‌السلام) از جا بر می‌خواست و لبیک می‌گفت. در نهایت پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم فرمود: حال که چنین است، بدانید که علی، خلیفه و جانشین من خواهد بود و از هم اکنون مطیع و فرمانبردار وی باشید. ابولهب و دیگران برخاستند و با تمسخر به ابوطالب گفتند، از هم اکنون تو را دستور داده تا فرمانبردار فرزندان باشی! ولی طبری در تفسیر خود آن را با ابهام آورده است؛ بدین گونه فایزنی علی‌هذا الامر علی أن یکون أخی و کذا و کذا؛ و گفته پیامبر (ص) را چنین آورده است: ان هذا أخی و کذا و کذا فاسمعوا له و أطیعوا (طبری، ۱۴۱۲: ۱۹/۷۵).

اکنون این سؤال مطرح است که چرا طبری در تاریخ آشکارا واقعیت را گزارش کرده ولی در تفسیر، راه

ابهام‌گویی را پیموده است؟ همان است که قبلاً اشاره شد. تفسیر وی محطاً نظر همگان و عامه مردم بوده و از غوغاگران نادان هراس داشته است؛ ولی این ویژگی در تاریخش وجود نداشته و توانسته است آزادانه گزارش کند (معرفت، ۱۳۸۰: ۲/ ۱۷۵).

از میان تفاسیر اهل سنت که تحت تأثیر شرایط اجتماعی جریان خلفاء، نظریه نسخ آیه مودت را در تفسیر آن برگزیده است، تفسیر المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز از ابن عطیه اندلسی از تفاسیر اجتهادی اهل سنت در قرن ششم است. در مورد رویکرد ابن عطیه اندلسی در تفسیر آیات مربوط به اهل بیت باید گفت که وی تحت تأثیر جریان و مکتب خلفا قرار گرفته و تا حد امکان سعی در طفره رفتن از بیان فضایل اهل بیت بر می‌آید. در نقل روایات، گاهی از گفتار ائمه اهل بیت علیهم السلام آغاز می‌کند. معمولاً هنگامی که اظهار نظر می‌کند، آن را با عنوان قال القاضی ابو محمد مطرح می‌کند، این روش، به تفسیر املائی می‌ماند تا انشایی و می‌رساند که وی تفسیر خود را بر جمع شاگردان املا می‌کرده و آنان می‌نوشته‌اند، مانند فرآء در «معانی القرآن». ابن عطیه در جهتی از تفسیر خود محافظه‌کارانه عمل کرده است، مثلاً در تفسیر آیه «و انذر عشیرتک الاقربین» (شعراء، ۲۱۴) روایت وارده را به طور سر بسته و ابهام گونه نقل کرده است (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۴/ ۲۴۵). هم‌چنین ذیل آیه تطهیر (احزاب، ۳۳) شأن نزول آن را درباره اهل بیت علیه السلام (۵ تن آل عبا) دانسته و روایات مربوط به آن را به عنوان رأی مشهور آورده است، ولی احتمال می‌دهد شامل زوجات نیز بشود با این وصف سخن پیامبر (ص) خطاب به ام سلمه (انت الی خیر) را نیز در پی آن آورده و مسئله را مبهم رها کرده است. ذیل آیه مربوط به خاتم بخشی علی علیه السلام، (مائده، ۵۵) اقوال مفسرین را در این خصوص که علی علیه السلام هنگام نزول آیه، در حال رکوع، انگشتر خود را به سائل بخشید، می‌آورد و روایت می‌کند که پیامبر (ص) پس از نزول آیه از خانه بیرون آمد، سائلی را دید و از او پرسید: کسی به تو چیزی داده است؟ عرض کرد: آری، آن مرد نمازگزار، این انگشتری نقره را در حال رکوع به من بخشید حضرت نگاه کرد و دید آن که مرد به او اشاره می‌کند، علی علیه السلام است. آن گاه گفت: الله اکبر و آیه را بر مردم خواند. ابن عطیه سپس طبق شیوه خود، با سکوت از کنار قضیه می‌گذرد (همان، ۳۸۴).

از دیگر تفاسیر اهل سنت طبقه چهارم اهل سنت که هم‌چون تفسیر مفاتیح الغیب فخر رازی برخلاف نظرات غالب تفاسیر اهل سنت آیه مودت را به مودت در حق اهل بیت پیامبر (ص) و اصحاب آن حضرت تفسیر نموده‌اند، تفسیر روح المعانی فی تفسیر القرآن الکریم از سید محمود آلوسی از تفاسیر اجتهادی و کلامی اهل سنت در قرن سیزدهم است که به شیوه اجتهادی آیه مودت را به مودت اهل بیت پیامبر (ص) تفسیر نموده با این تفاوت که در کنار مودت اهل بیت، مودت اصحاب پیامبر (ص) را به عنوان ستارگان هدایت واجب می‌داند.

از برجسته‌ترین آثار آلوسی تفسیر روح المعانی است که تفسیری است عقلی و اجتهادی که روش بلاغی، بیانی و ادبی را پیش می‌گیرد. جامع آراء گذشتگان از روایت و درایت بوده، اقوال آنان را با کمال

امانت و عنایت، بیان داشته، خلاصه‌ای از تفاسیر پیش از خود محسوب می‌گردد، از تفسیر ابن عطیه گرفته تا تفسیر ابو حیان، کشاف، ابو السعود، بیضاوی، فخر رازی و دیگران راه استفاده فراوان نموده است. ضمن نقل آن‌ها نظر به نقادی نیز داشته است. بیش از همه از تفسیر فخر رازی بهره برده و احياناً بخش‌هایی از منقولات رازی را نقد کرده است، به ویژه در مسائل فقهیه که آلوسی حنفی مذهب بوده است.

آلوسی در تفسیر خود درباره مسائل اصول و فروع، از مذهب سلف تأثیر پذیرفته و آشکارا آن را بیان می‌دارد، وی به معتزله و شیعه بسیار می‌تازد از جمله ذیل آیه ۱۵ سوره بقره (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱/۱۴۸)، که به زمخشری می‌تازد. وی شیوه بدبینی به شیعه و تهمت‌های ناروای سلف خویش را دنبال کرده، در هر مناسبت، تهمت‌هایی بیان نموده که در کلام گذشتگان نبوده است؛ مانند، سوره ساختگی «الولایه» که نویسنده زردشتی «دبستان المذاهب» بی جهت آن را به شیعه نسبت داده و در هیچ یک از منابع شیعه یافت نشده است، آلوسی با کمال جسارت آن را به «ابن شهر آشوب» نسبت می‌دهد. وی مسائل فقهی را هم به طور گسترده بیان می‌کند و آرای فقها و مناقشات و مجادلات آنان را یادآور می‌شود، چنان که از تفسیر به کتاب فقه تبدیل می‌شود مانند آیه ۲۳۶ سوره بقره. در مسائل کلامی هم سخن را به درازا می‌کشاند. وی از تفسیر رمزی و عرفانی نیز چشم نمی‌پوشد ولی پس از تفسیر ظاهری آیات، در حدّ توان به آن می‌پردازد، در این مورد از تفاسیر نیشابوری، قشیری، ابن عربی و مانند آن، بهره می‌گیرد. گاهی نیز در وادی خیال و وهم سرگردان می‌ماند (برای مطالعه بیشتر: ر. ک: موسوی بجنوردی، ۱۳۷۴: ۲/۱۸۰؛ معرفت، ۱۳۸۰: ۲/۳۰۱؛ ایازی، ۱۴۱۴: ۴۸۰؛ ذهبی، بی‌تا: ۱/۳۵۲؛ خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۱/۷۰۳). وی در تفسیر آیات مربوط به اهل بیت (ع) به خصوص آن‌ایانی که دلالت بر ولایت و خلافت اهل بیت بشود، مخالفت نشان داده و می‌گوید: روایاتی که شیعه در ذیل آیه «و انذر عشیرتک الاقربین» (شعرا، ۲۱۴) به آن‌ها تمسک می‌جویند و ادعا دارند که آن آیه در مورد امر خلافت است، روایاتی مؤول یا ضعیف یا موضوع و جعلی است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۰/۱۳۳). اما در مورد آیه تطهیر آن را به حضرت علی (ع) حضرت فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) تفسیر می‌کند (همان، ۱۱/۱۹۶). هم‌چنین در ذیل آیه ۳ و ۶۷ سوره مائده به داستان غدیر خم اصلاً اشاره‌ای نمی‌کند (همان، ۴/۳۵۸). در مورد آیه ولایت (مائده، ۵۵) وی بعد از توضیحات مختلف در نهایت می‌گوید غالب اخباریان معتقدند که این آیه در مورد حضرت علی (ع) نازل شده است.

ب) بررسی میزان تأثیر شرایط اجتماعی جریان خلفا در تفاسیر شیعه

مفسران جریان و مکتب ولایت از نظر رویکرد عقیدتی به سه جریان امامیه، زیدیه و مسلک عرفانی دسته‌بندی می‌شوند. اکثر قریب به اتفاق تفاسیر فرقه امامیه با توجه به این که تا قرن سوم هجری از حضور ائمه معصومین (ع) بهره‌مند بودند و از طرق و روایات مختلفی (حدود ۴۴ طریق) از پیامبر (ص) و

ائمه معصومین (ع) و صحابه و تابعین آن حضرات (علیهم السلام) نقل شده است که منظور از آیه مودت، مودت به اهل بیت و خویشاوندان پیامبر (ص) می‌باشند؛ لذا متأخران از متکلمان و مفسران شیعه و زیدیه و بعضاً اهل سنت از متقدمان جریان ولایت پیروی کرده و رأی فوق‌الذکر را در ادوار مختلف تاریخی در تفسیر آیه مودت اتخاذ نموده‌اند، تنها اختلاف اندکی که میان برخی مفسران شیعه در برخی دوره‌ها به چشم می‌خورد، این است که برخی از مفسران شیعه در بررسی مفهوم استثناء در آیه مودت برخلاف نظر اکثریت شیعه، به منقطع بودن استثناء در آیه مودت قائل شده‌اند که به نظر می‌رسد به جهت تأثیر شرایط اجتماعی و سیاسی اکثریت اهل سنت در ادوار مختلف بوده است. برخی از این تفاسیر عبارت‌اند از:

- تفسیر القرآن المجید شیخ مفید از متکلمان طبقه اول یعنی قرن چهارم در رد نظر شیخ صدوق قائل به معنای انقطاع در مورد استثناء آیه مودت شده است.

- روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن از ابوالفتوح رازی از تفاسیر طبقه دوم یعنی قرن ششم

- تفسیر زبده التفاسیر از ملا فتح الله کاشانی از تفاسیر طبقه سوم یعنی قرن دهم

- تفسیر المبین از محمدجواد مغنیه از تفاسیر طبقه چهارم یعنی قرن چهاردهم

- تفسیر جامع از سید محمد ابراهیم بروجردی از تفاسیر طبقه چهارم یعنی قرن پانزدهم

- التفسیر المنیر از وهبه زحیلی از تفاسیر طبقه چهارم یعنی معاصر.

نقش قاعده سیاق در تبیین سبب نزول و شرایط اجتماعی صحیح آیه مودت و ارزیابی سبب نزول‌های

موجود

سیاق کلام گوینده و یا نویسنده یکی از گزینه‌هایی است که در تمام زبان‌ها و فرهنگ‌ها مورد اهتمام بوده و مردم برای فهم سخن دیگران علاوه بر قرائن دیگر به سیاق نیز تمسک می‌جویند (رجبی و دیگران، ۱۳۷۹: ۱۲۰). زرکشی و رشید رضا آن را از بهترین و برترین گزینه‌ها برای فهم معنای حقیقی الفاظ و کلام و نیز مراد متکلم به شمار آورده‌اند (زرکشی، ۱۴۱۰: ۲/۲۰۰؛ رشید رضا، بی‌تا: ۱/۲۲). اعتبار سیاق برای فهم معنای مراد بر گرفته از سیره عقلاست و به اعتقاد فضل‌الله حجیت آن از باب حجیت ظهور است (فضل‌الله، ۱۴۲۶: ۱۵/۴۴۱-۴۴۰). فهم قرآن نیز از این قاعده عقلایی جدا نیست؛ زیرا وقتی گوینده‌ای سخنی می‌گوید، با این پیش‌فرض که او حکیم بوده و دچار خطا و نسیان نیز نمی‌شود، معنا ندارد جمله‌هایی که بیان می‌کند متناقض باشند، بلکه هماهنگی ویژه‌ای بین قسمت‌های مختلف سخن او وجود دارد. پس در تفسیر آیات باید به سیاق توجه نمود (رجبی، ۱۳۸۵: ۷۷). زیرا سیاق از معنای عمیق کلام سخن می‌گوید، نه از لایه‌های سطحی و مادی و معنای ظاهری آن و این چیزی است که بسیاری از مفسران از آن غافل هستند (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۰/۲۸).

در مورد نقش سیاق آیه مودت در ارزیابی روایات و آراء مختلف در مورد سبب نزول آن باید گفت که مفسران فریقین برای آیه مودت سبب نزول‌های متعددی بیان نموده‌اند. به نظر می‌رسد این تعدد اسباب

در اثر عدم توجه آن‌ها به سیاق آیه مودت ابراز شده است. برخی از سبب نزول‌های احتمالی آیه مودت از سوی مفسران فریقین و نقد و ارزیابی آن‌ها با استمداد از سیاق به قرار زیر ارائه می‌گردد:

- نزول آیه مودت به دنبال افتخار انصار بر قریش

یکی از سبب نزول‌هایی که برخی تفاسیر فریقین ذیل آیه مودت ذکر نموده‌اند؛ افتخار انصار بر قریش بود. روزی انصار بر قریش افتخار می‌کردند و به کارهایی که در حمایت از پیامبر (ص) و مهاجران انجام داده بودند، می‌بالیدند. وقتی این فخرفروشی به گوش عباس یا ابن عباس رسید، در پاسخ گفت، ما از شما افضل هستیم. این جریان بالاخره به محضر رسول خدا مخابره شد و رسول خدا (ص) به جمع‌شان آمد و خطاب به انصار فرمود، ای گروه انصار آیا شما ذلیل نبودید و خدا شما را به وسیله من ارجمند ساخت؟ گفتند، بلی یا رسول الله. فرمود که آیا شما گمراه نبودید و خدا به سبب من به شما هدایت داد؟ گفتند، بلی ای رسول خدا. فرمود، چرا جوابم را نمی‌دهید؟ گفتند، چه بگوییم یا رسول الله؟ فرمود، در جواب بگویید که مگر قومت تو را اخراج نکردند که ما شما را پناه دادیم؟ مگر قومت، شما را تکذیب نکردند که ما شما را تصدیق کردیم؟ مگر قومت شما را ذلیل نساختند که ما شما را پناه دادیم؟ به همین طریق پیامبر تعداد صفات جمیله آن‌ها را بر می‌شمرد تا آن که همه به زانو در آمدند و گفتند که یا رسول الله تن و جان ما فدای تو باد، همه مال‌ها که داریم از آن خدا و رسول‌اش است، اگر اجازه فرمایی اموال خود را به طیب نفس و انشراح صدر تقدیم محضرتان کنیم تا در حوائج خود صرف نمایی در این هنگام بود که آیه مودت نازل شد.

این سبب نزول را تعداد زیادی از مفسران فریقین به ویژه مفسران اهل سنت نقل نموده‌اند، از جمله آن‌ها؛ ابن جریر طبری، ابن ابی حاتم، احمد مصطفی مراغی، ماوردی، حاکم حسکانی، بغوی، جارالله زمخشری، ابن عطیه اندلسی، قرطبی، ابن کثیر، نورالدین هیثمی، جلال‌الدین سیوطی، شوکانی، سعید حوی (عابدی، ۱۳۸۷: ۸۷-۸۶).

- نزول آیه مودت به دنبال طعنه مشرکان به پیامبر (ص) و یا درخواست کمک پیامبر از قریش

برای عدم آزار وی به جهت خویشاوندی

برخی از مفسران اهل سنت گفته‌اند: مشرکان اهل مکه جلسه تشکیل دادند و گفتند محمد بر ادای رسالت از مردم مزد می‌خواهد و در قبال آن چه داده است اجر می‌خواهد؟ به دنبال این طعنه آیه مودت نازل شد و آن‌ها را ترغیب به مودت اقربا کرد. حتی بعضی از مفسران در تفسیرشان آورده‌اند که مشرکان مکه پیامبر را اذیت می‌کردند آیه مودت نازل شد؛ و به آن‌ها گفته شد اگر دین او را قبول نمی‌کنید حداقل به او اذیت نرسانید و پیامبر (ص) فرمود: «یا قوم اذا ابیتم ان یبایعونی فاحفظوا قرابتی فیکم لایکن غیرکم من العرب اولی بحفظی و نصرتی منکم» (قرطبی، ۱۳۶۴: ۸/ ۲۴؛ ثعلبی، ۱۴۲۲: ۸/ ۳۱۰).

بعضی از مفسران اهل سنت همین سبب نزول را تأیید کرده و گفته‌اند این سبب نزول با آیه موافق است، زیرا سوره شوری مکی است (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۴/ ۴۰۰؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۵/ ۳۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۷/ ۳۴۶؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۸-۷/ ۱۱۶). برخی دیگر از مفسران اهل سنت نیز گفته‌اند که این آیه خطاب به قریش است؛ زیرا قریش مقداری مال جمع کردند تا به رسول خدا به عنوان رشوه بدهند تا آن حضرت خدایان‌شان را سب نکند، این جا بود که آیه مودت نازل شد (الوسی، ۱۴۱۵: ۲۵/ ۴۳-۲۵). گویا آن حضرت، مال آن‌ها را قبول نکرد تازه از آن‌ها هم خواست که به قربی مودت بورزند!

- نزول آیه مودت به دنبال پیشنهاد کمک مالی انصار به پیامبر (ص) بعد از هجرت یا بعد از حجه الوداع

تمام مفسران مکتب اهل بیت و تعداد کثیری از مفسران اهل سنت از طریق سعید بن جبیر از ابن عباس نقل کرده‌اند که پس از هجرت پیامبر اکرم (ص) به مدینه و بنیان پایه‌های استوار اسلام و جامعه نو بنیاد اسلامی، انصار جلسه تشکیل دادند و در آن تصویب شد که همه خدمت رسول اکرم (ص) بروند و به ایشان بگویند اگر برای پیشرفت اسلام و اداره جامعه نو بنیاد خویش نیاز اقتصادی و مالی داری همه ثروت و امکانات ناچیز ما در اختیار شماست، هرگونه مصلحت بدانید در آن تصرف نمایید. آنان با این اندیشه به محضر آن حضرت شرفیاب شدند و سخن خود را بر زبان آوردند! درست در آن هنگام بود که فرشته وحی فرود آمد و آیه مودت را نازل فرمود. پیامبر اکرم (ص) آیه را بر مردم تلاوت نمود (قرطبی، ۱۳۶۴: ۸/ ۲۴؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۵/ ۳۴-۳۳)، و فرمود شما پس از این نزدیکان و خاندان مرا دوست بدارید.

آن گاه یاران از حضور پیامبر (ص) در حالی رفتند که فرمانبردار خدا و رسول بودند، ولی گروهی از منافقین گفتند: این آیه از آیات قرآن نیست؛ بلکه پیامبر خود بر بافته و تلاوت کرده است و هدفش آن است که پس از خود، ما را زیر سلطه خاندان و نزدیکانش در آورد! پس از این زشت‌گویی و دروغ‌پردازی منافقان بود که این آیه نازل شد: «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشِئِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ وَ يَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَ يُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ» (شوری، ۲۴) پیامبر اکرم (ص) بی‌درنگ به سراغ آنان فرستاد و آیه را بر آنان تلاوت نمود، انصار به گریه افتادند و این رویداد بر آنان بسیار گران آمد، در این جا بود که آیه بیست و پنج سوره شوری نازل شد: «وَ هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَ يَعْفُو عَنْ السَّيِّئَاتِ وَ يَعْلَمُ مَا تَعْلَمُونَ * وَ يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ يَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَ الْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ» (همان، ۲۶-۲۵)، حضرت دوباره به سراغ آنان فرستاد و به آنان نوید داد که خداوند توبه گناهکاران را می‌پذیرد و دعای مؤمنان را به هدف اجابت می‌رساند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۲/ ۱۳۱؛ قمی، ۱۳۶۷: ۲/ ۲۷۶؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۴/ ۵۷۸)، همین سبب نزول را تعداد کثیری از مفسران و دانشمندان اهل سنت با کمی تفاوت با یکدیگر، نقل نموده‌اند، از جمله برخی از آن‌ها به شرح زیر است: ابن ابی حاتم،

ماوردی بصری، ابن محمد بغوی، حاکم حسکانی، جلاله زمخشری، ابن عطیه اندلسی، عبدالرحمن بن علی ابن جوزی، فخرالدین رازی، محمد بن احمد قرطبی، نظام الدین نیشابوری، ابی حیان اندلسی، ابن کثیر، عبدالرحمن بن محمد ثعالبی، جلال الدین سیوطی، شوکانی، محمود آلوسی، سعید حوی، البته برخی از دانشمندان مکتب اهل بیت همین مطلب را پس از حجه‌الوداع نقل کرده‌اند (همان). ولی بین این دو روایت تناقضی در کار نیست؛ چون هر دو روایت به یک مطلب اشاره دارد و آن پیشنهاد کمک مالی انصار و نزول آیه مودت و طلب مودت اهل بیت است. البته به نظر می‌رسد انصار چند بار پس از ورود به مدینه و بعد از حجه‌الوداع هر دو زمان خدمت رسول اکرم رفته باشند و رسول خدا نیز هر وقت تأکید به مودت اهل بیت کرده باشد. در منابع تفسیری و روایی شیعه آمده است که وقتی آیه مودت نازل شد، رسول خدا بعد از تلاوت آیه فرمود: هر کس مزد اجیرش را ندهد لعنت خدا، فرشتگان و همه مردم بر او باد سپس فرمود: هر کس حسنه‌ای را کسب کند و آن حسنه اقرار امامت آل محمد و احسان و نیکی به آن‌ها و صله رحمی به آل محمد است، ما بر نیکی آن می‌افزاییم؛ یعنی: برای عوض احسان و نیکی ما کفایت می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۳/۲۳۸؛ قمی، ۱۳۶۷: ۱/۶۰۲-۶۰۱).

در بررسی و ارزیابی سبب نزول‌های فوق‌الذکر با سیاق آیه مودت، باید گفت که از میان سبب نزول‌های سه‌گانه سبب نزول سومی به دلایل زیر صحیح و متناسب با سیاق آیه مودت است: اولاً) بر اساس سیاق آیات، به خصوص سیاق آیه ۲۱ سوره شوری، آیه مودت پیوند کاملی با مسئله امامت و خلافت بعد از پیامبر (ص) دارد و حال آن که پیامبر (ص) در هنگام حضور در مکه در آغاز تبلیغ بودند و از نظر سیره عقلاً نیز مسئله جانشینی بایستی در اواخر عمر شریف آن حضرت مطرح می‌شد، با توجه به این که آن حضرت در اواخر عمر در مدینه تشریف داشتند؛ لذا آیات قبل و بعد و خود آیه مودت مدنی‌النزول می‌باشند.

ثانیاً) سیاق آیات ۲۴، ۲۵، ۲۶ سوره شوری در مورد منافقان است که بعد از هجرت آن حضرت از مکه به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی برخی از دشمنان و مخالفان به ظاهر اسلام آورده ولی در باطن بر کفر خود ماندند و هر از گاهی با القاء برخی شبهات قصد تفرقه‌افکتی و ایجاد اختلاف در میان مسلمانان داشتند که یکی از این شیطنت‌ها بعد از نزول آیه مودت در مدینه بروز کرده و با روشنگری خداوند در آیات بعد از آیه مودت، این فتنه در نطفه خفه شد.

ثالثاً) با توجه به صراحت آیه مودت بر اهل بیت پیامبر (ص) و نیز اذعان برخی روایات مبنی بر این که بعد از نزول آیه مودت مسلمانان از آن حضرت پرسیدند خویشاوندان تو که مودت آنان بر ما واجب شده است چه کسانی می‌باشند؟ در پاسخ آن حضرت فرمودند: علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) هستند. حال آن که در مکه هنوز حضرت علی (ع) با حضرت فاطمه زهرا (س) ازدواج نکرده بود و سه سال بعد از غزوه بدر در مدینه ازدواج نمودند. پس آیه مودت مدنی‌النزول است نه مکی‌النزول.

رابعاً) مفهوم اجر وقتی تمام می‌شود که درخواست‌کننده آن، کاری کرده باشد و سودی به مردم رسانده باشد و در ازای آن مزد طلب کند، مزدی که برابر عمل عامل باشد و در مورد بحث، اجر وقتی معنا دارد که رسول خدا قریش را هدایت کرده باشد و ایشان ایمان آورده باشند، چون با فرض باقی ماندن در کفر و تکذیب دعوت آن جناب، چیزی از آن جناب نگرفته‌اند تا در مقابلش اجری بدهند و به فرض هم که به آن جناب ایمان آورده باشند، تازه به یکی از اصول سه‌گانه دین ایمان آورده‌اند، نه به همه آن تا باز بدهکار مزد باشند، علاوه بر این که در همین فرض دیگر بغض و دشمنی تصور ندارد تا ترک آن مزد رسالت فرض شود و رسول خدا آن را از ایشان بخواهد.

خامساً) سیاق آیات مربوط به مراحل و فرآیند اجر، مدنی بودن آیه مودت را اثبات می‌کند؛ زیرا در آیات: «وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (یوسف، ۱۰۴)، «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (انعام، ۹۰)، «قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ» (۸۶) «إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (۸۷) «وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ» (۸۸-۸۶). به سه مساله تصریح شده است: الف) با توجه به این که دین اسلام و قرآن برای هدایت همه جهانیان نازل شده است؛ لذا تا زمانی که همه جهانیان در عمل مسلمان نشدند درخواست اجر وجهی ندارد؛ زیرا در این صورت قبل از انجام کارمزد درخواست شده است که خلاف سیره عقلا است. ب) پیامبر اسلام (ص) نباید به طور مستقل و از جانب خود درخواست اجر نماید؛ چرا که آن حضرت مجری و مبلغ تکلیف است نه موجد و مؤسس تکلیف. خداوند به پیامبر اسلام (ص) دستور می‌دهد که برای رفع هرگونه اتهامی از خود که نگویند آن حضرت خویشاوندان خود را به خلافت می‌نشانند، به مردم اعلام می‌کند که از طرف خود هیچ تکلیفی را برای مردم واجب ننموده است بلکه به دستور خداوند موظف به ابلاغ اجر وعده داده شده به حضرت ابراهیم مبنی بر امامت ذریه معصوم آن حضرت در آخرالزمان می‌باشد. «وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ» (همان، ۸۶). لذا انذار و هدایت جهانیان در حوزه اختیار امام است نه رسول: «انی جاعلک للناس اماما» (بقره، ۱۲۴)، ج) خبر درخواست اجر باید بعد از گذشت زمان رسالت و در اواخر حیات پیامبر اسلام (ص) ابلاغ گردد: «وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ» (۸۸)، د) بر اساس سیره عقلا اصل درخواست اجر بایستی بعد از اتمام مأموریت محوله امور باشد نه در ابتدای مأموریت. لذا آیه مودت مدنی است نه مکی. کوتاه سخن این که در صورتی که پرسش شدگان در این سؤال کافر فرض شوند معنای اجر تصور ندارد و در صورتی که مؤمن فرض شوند، دشمنی تصور ندارد تا به عنوان مزد بخواهند دست از آن بردارند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۸ / ۶۱).

نتیجه

در جمع‌بندی باید گفت، با توجه به این که آیه مودت، خواه براساس روش تفسیر قرآن به قرآن و خواه بر اساس تلقی مفسران شیعه، اساساً از آیات کلامی و اعتقادی در حوزه امامت و خلافت پیامبر اسلام (ص) محسوب می‌شود و منظور از آن محبت محض اهل بیت نیست؛ بلکه محبت عملی و پیروی از آنان

به عنوان امامان معصوم (ع) و اسوه‌های حسنه حوزه هدایت می‌باشند، به همین جهت اکثر تفاسیر اهل سنت در ادوار مختلف تاریخی از متقدمین تا متأخرین و زمان حال با تأثیرپذیری از پیش‌فرض‌های کلامی و شرایط اجتماعی جریان و مکتب خلفا هر کدام با تکیه بر جنبه‌های فقهی (مالکی، حنبلی، شافعی و حنفی) یا کلامی (اشعری، معتزله و غیره) مورد قبول خود، اقدام به تفسیر آیه مودت و دیگر آیات مربوط به اهل بیت کرده و نسبت به جریان و مکتب ولایت کم لطفی خود را نشان داده‌اند تا جایی که از بدیهی‌ترین و متواترترین روایات مربوط به سبب نزول آیات مربوط به ولایت و امامت اهل بیت (ع) چشمپوشی نموده و از ذکر آن‌ها در تفسیر خود اجتناب نموده‌اند. باین وجود از میان تفاسیر اهل سنت برخی از آن‌ها حداقل در جنبه مصداقی آیه مودت را به مودت اهل بیت (ع) تفسیر نموده‌اند و گاه در کنار اهل بیت (ع) به جهت تأثیرپذیری از عقیده جریان خلفا مبنی بر تعدیل صحابه، صحابه پیامبر (ص) را به مثابه ستارگانی تلقی کرده‌اند که کشتی اهل بیت برای رسیدن به مقصد، به آن علائم و چراغ راه نیازمند می‌باشند. بنابراین تفاسیر جریان و مکتب خلفا برای دفاع از عقاید کلامی خود در تفسیر آیه مودت دست به اقداماتی از جمله: مکی‌النزول دانستن آن، منقطع دانستن استثناء در آن، معنای مجازی سببیت قائل شدن بر حرف «فی» در آیه مودت، سعی در عدول از تفسیر حقیقی آیه مودت نموده و حدود پنج نظر مختلف ارائه داده‌اند. ولی در مقابل طرف‌داران و مفسران جریان و مکتب ولایت با توجه به این‌که تا قرن سوم هجری از حضور ائمه معصومین (ع) بهره‌مند بودند و از طرق و روایات مختلفی حدود ۴۴ طریق از پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) و صحابه و تابعین آن حضرات (علیهم السلام) نقل شده است که منظور از آیه مودت، مودت به اهل بیت و خویشاوندان پیامبر (ص) می‌باشند؛ لذا متأخرین از متکلمان و مفسران شیعه و زیدیه و بعضاً اهل سنت از متقدمان پیروی کرده و رأی فوق‌الذکر را در ادوار مختلف تاریخی در تفسیر آیه مودت اتخاذ نموده‌اند، تنها اختلاف اندکی که میان برخی مفسران شیعه در برخی دوره‌ها به چشم می‌خورد، این است که برخی از مفسران شیعه در بررسی مفهوم استثناء در آیه مودت بر خلاف نظر اکثریت شیعه، به منقطع بودن استثناء در آیه مودت قائل شده‌اند که به نظر می‌رسد به جهت تأثیر شرایط اجتماعی و سیاسی اکثریت اهل سنت در آن دوره بوده است.

منابع

- علاوه بر قرآن کریم.** ترجمه: فولادوند، محمد مهدی. (۱۴۱۵). تحقیق: هیات علمی دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی). تهران: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی). چاپ اول.
- الوسی، سید محمود. (۱۴۱۵). **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**. بیروت: دارالکتب العلمیه. چاپ اول.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی. (۱۴۲۲). **زاد المسیر فی علم التفسیر**. بیروت: دارالکتب العربی. چاپ اول.
- ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب. (۱۴۲۲). **المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز**. بیروت: دارالکتب العلمیه. چاپ اول.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو. (۱۴۱۹). **تفسیر القرآن العظیم**. بیروت: دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون. چاپ اول.
- (۱۴۱۱). **البدایه و النهایه**. بیروت: مکتبه المعارف. چاپ دوم.
- ابی حیان اندلسی، محمد بن یوسف. (۱۴۱۲). **البحر المحیط**. تحقیق: شیخ عادل و شیخ علی محمد معوض. بیروت: دارالکتب العلمیه.

- ایازی، سید محمد علی. (۱۴۱۴). **المفسرون، حیاتهم و منهجهم**. تهران: مؤسسه الطباعة و النشر لوزارة الثقافة و الإرشاد الاسلامی. بهرامی، روح الله. (۱۳۸۶). **مکتب آنال؛ جامعیت فکر تاریخ نگاری**. شیراز: انتشارات نوید.
- تعالی، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۸). **جواهر الحسان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ اول.
- ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲). **الکشف و البیان عن تفسیر القرآن**. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ اول.
- حوی، سعید. (۱۹۹۲). **الاساس فی التفسیر**. قاهره: دارالسلام؛
- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۷۷). **دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی**. تهران: نشر دوستان.
- ذهبی، محمدحسین. (بی‌تا). **التفسیر و المفسرون**. بیروت: دار احیاء التراث العربی. بی‌تا.
- رجبی، م؛ و دیگران. **روش شناسی تفسیر قرآن**. قم: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- رستمی، علیرضا. (۱۳۸۸). **تأثیر جریان‌های سیاسی بر تفسیر و مفسران**. قم: موسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
- رشید رضا، محمد. (بی‌تا). **المنار**. بیروت: دارالمعرفه. چاپ دوم.
- زرکشی، بدر الدین محمد بن عبد الله. (۱۴۱۰). **البرهان فی علوم قرآن**. بیروت: دار المعرفه. چاپ اول.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۴۰۷). **الاتقان فی علوم القرآن**. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۴۱۷). **المیزان فی تفسیر القرآن**. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**. تهران: ناصر خسرو. چاپ سوم.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. (۱۴۱۲). **جامع البیان فی تفسیر القرآن**. بیروت: دار المعرفه. چاپ اول.
- (۱۳۸۷). **تاریخ الأمم و الملوک**. تحقیق: محمد أبو‌الفضل ابراهیم. بیروت: دار التراث. چاپ دوم.
- عابدی، فدا حسین. (۱۳۸۷). **سیمای اهل بیت در آیه مودت از دیدگاه شیعه و اهل سنت**. قم: بوستان کتاب. چاپ دوم.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۵). **تفسیر نورالتقلین**. تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی. قم: انتشارات اسماعیلیان. چاپ چهارم.
- فضل الله، سید محمد حسین. (۱۴۱۹). **تفسیر من وحی القرآن**. بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر. چاپ دوم.
- (۱۴۲۶). **الندوه**. قم: مکتب آیه الله العظمی السید محمد حسین فضل الله.
- فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۴۱۵). **تفسیر الصافی**. تهران: انتشارات صدر. چاپ دوم.
- فیروزآبادی (حسینی)، سید مرتضی. (۱۳۹۲). **فضائل الخمسه من الصحاح الستة**. تصحیح: شیخ محمد، آخوندی. تهران: دار الکتب الاسلامیه. چاپ دوم.
- قرطبی، محمد بن احمد. (۱۳۶۴). **الجامع لأحكام القرآن**. تهران: انتشارات ناصر خسرو. چاپ اول.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷). **تفسیر القمی**. تحقیق: سید طیب، موسوی جزایری. قم: دار الکتب. چاپ چهارم.
- ماوردی بصری، أبو الحسن علی بن محمد بن حبیب. (بی‌تا). **النکت و العیون**. تحقیق: السید بن عبد المقصود بن عبد الرحیم. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مجلسی، محمد یاقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳). **بحار الأنوار**. تحقیق و تصحیح: جمعی از محققان. بیروت: دار احیاء التراث العربی. چاپ دوم.
- معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۰). **تفسیر و مفسران**. قم: موسسه فرهنگی تمهید. چاپ اول.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳). **تفسیر مقاتل بن سلیمان**. بیروت: دار احیاء التراث. چاپ اول.
- موسوی بجنوردی، سید کاظم. (۱۳۷۴). **دایره المعارف بزرگ اسلامی**. تهران: نشر دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله. (۱۳۸۱). **معجم البلدان**. ترجمه: علینقی منزوب. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، معاونت پژوهشی.
- (۱۳۸۱). **معجم الادبا**. ترجمه: عبدالمحمد، آیتی. تهران: سروش.